

رهنمودهای تربیتی امام کاظم(ع)(2)

وابستگی عاطفی فرزند به والدین بیش از تعلق خاطر والدین به فرزند است. نیاز به عاطفه سراسر وجود کودک را فرا گرفته و او را به عنایت والدین نیازمند ساخته است...



وابستگی عاطفی فرزند به والدین بیش از تعلق خاطر والدین به فرزند است. نیاز به عاطفه سراسر وجود کودک را فرا گرفته و او را به عنایت والدین نیازمند ساخته است. کودک توان دوری از والدین را ندارد و هرگونه بی‌توجهی پدر و مادر به این وابستگی می‌تواند در آینده برای کودک مشکل آفرین باشد. متأسفانه امروزه برخی از والدین، بی‌آنکه ناگزیر باشند، فرزندان خود را به مهدکودک می‌سپارند. هرچند مهدکودک بعد اجتماعی کودکان را پرورش می‌دهد، اما هرگز پاسخگوی نیاز حیاتی کودک به عاطفه نیست. بنابراین شایسته است والدین، در حد امکان، فرزندان خود را از حلاوت مهر مادری و عطوفت پدری محروم نسازند. توجه به وابستگی کودک چنان مهم است که حتی در محافل نباید میان پدر و فرزند که کنار هم نشسته‌اند، فاصله انداخت.

امام کاظم(ع) می‌فرماید:

رسول خدا(ص) از فاصله انداختن بین پدر و فرزند نهی فرمود. (1)

وفا به وعده

وفای به وعده، حتی در برابر کفار، از صفات پسندیده و مورد توجه پیشوایان دین است. این عمل مهم در برخورد با کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کودکان جز به تحقق وعده والدین نمی‌اندیشند، در وفای والدین تردید ندارند و همراه به انتظار لحظه موعود می‌نشینند. هرگونه تاخیر و تخلف در وفای به وعده آنها رامی‌آزارد و به تخریب روحیه اعتماد به والدین می‌انجامد. افزون بر این، چنین کردار ناپسندی غیر مستقیم درس پیمان‌شکنی به آنان می‌آموزد. کلیب صیداوی نقل می‌کند که، امام کاظم(ع) فرمود: ادا وعده‌ت‌م‌الصبيان و فوا لهم ...؛ هنگامی که به فرزندان‌ت‌ان وعده دادید، وفا کنید؛ همانا کودکان چنان می‌پندارند که شما به آنها روزی می‌دهید. خداوند متعال به خاطر هیچ چیزی به اندازه زنان و کودکان خشمگین نمی‌شود. (2)

کودکان و نماز

نماز ستون دین و سرچشمه همه نیکی‌هاست.

هرچند این امر مهم هم‌زمان با سن تکلیف بر انسان واجب می‌شود؛ اما هر چه زودتر فرزندان با آن آشنا گردند، سریعتر تحت الطاف الهی قرار می‌گیرند و شتابان‌تر در راه کسب فضایل اخلاقی گام خواهند گذاشت. انسانی که از کودکی با نماز آشنا و مانوس شود، زودتر شیرینی عبادت و ارتباط با پروردگار را می‌چشد و دیگر هرگز ذائقه دلش طعم تلخ گناه را نمی‌پسندد. از بعد اجتماعی نیز نماز، نوجوان را به جماعت نیک‌رفتاران و پسندیدگان پیوند می‌دهد و از فرو رفتن در گرداب آشنایی با آلودگان و تهکاران بازمی‌دارد. نماز در نوجوانی و قبل از تکلیف، تجربه‌ای شیرین و جذاب است، هنگام تکلیف، احساس سختی فرایض را از انسان دور می‌سازد. بدین جهت ائمه علیهم السلام فرزندان خود را، قبل از سن تکلیف، با نماز آشنا می‌ساختند. امام کاظم(ع) فرمود: مرواصبیاکم بالصلاه اذا كانوا سبع سنين ...؛ هنگامی که فرزندان‌تان به سن هفت‌سالگی رسیدند، آنها را به نماز فرمان دهید. (3)

فرزندان و بستر استراحت

اسلام به پیشگیری از گناه اهمیت بسیار می‌دهد و برای از بین بردن زمینه‌های گناه تأکید می‌کند. رعایت حجاب، پرهیز از اختلاط زنان و مردان، کراهت سخن گفتن بسیار با نامحرمان و ... از همین باب است. جدا کردن بستر فرزندان در آستانه سن تمیز نیز بخشی از برنامه پیشگیری از گناهان است. امام کاظم(ع) فرمود: ... هنگامی که فرزندان‌تان به ده سالگی رسیدند، بسترشان را از هم جدا کنید. (4)

فرزندان و مسوولیت

مسوولیت دادن به فرزندان از روش‌های مؤثر تربیتی است. مسوولیت، اگر متناسب با توان کودکان باشد و در انجام دادن آن یاری شوند، اعتماد به نفسشان را تقویت می‌کند و آنان را برای پذیرش و به انجام رساندن مسوولیت‌های بزرگتر آماده می‌سازد علاوه بر این، کودکان احساس می‌کنند که والدین برای آنها احترام قایلند و آنها راناتوان نمی‌انگارند. پیشوای هفتم شیعیان، در فرصت‌های مناسب، به فرزندان‌ش مسوولیت می‌داد. سلیمان جعفری می‌گوید: هنگامی که یکی از فرزندان امام کاظم(ع) در بستر مرگ بود، حضرت به فرزندش قاسم فرمود: بر بالین برادرت سوره صافات بخوان. قاسم قرائت سوره صافات را شروع کرد و چون به آیه «اهم اشد خلقا من من خلقناه ...؛ رسید، برادرش وفات یافت « (5)

آن حضرت همچنین، همزمان باوصی اصلی قرار دادن حضرت رضا(ع) سه تن از فرزندان (عباس، اسماعیل و احمد) را در مسوولیت وصایت با امام هشتم(ع) همراه ساخت.

ناآرامی کودکان

برخی از کودکان بسیار شلوغ، پرتحرک و ناآرامند؛ به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا سبب آزار والدین می‌شوند. برخی از والدین در برابر آنها موضع می‌گیرند، لب به سرزنش می‌کشایند و آنان را نابهنجار به شمار می‌آورند؛ درحالی که تحرك و ناآرامی کودکان معمولاً طبیعی است و کسانی که در کودکی شلوغ و پرتحرک باشند، در جوانی آرام و بردبار خواهند شد. بنابراین بجاست والدین کمرهمت ببندند و با صبر و حوصله، خود را برای گذر از این دوره حساس و چه بسا طاقت‌فرسا مهیا سازند. امام کاظم فرمود: تستحب عرامه (6) الصبی فی صغره لیكون حلیمًا فی کبره؛ ... ما ینبغی ان یکون الا هکذا؛ سزاوار است فرزند در کودکی شلوغ و پرتحرک باشد تا در بزرگی صبور و بردبار شود؛ ... و جز این روانیست. (7)

تفاوت آری، تبعیض هرگز

تبعیض و تفاوت دو واژه نزدیک، ولی متفاوت است. تبعیض بدین معناست که در میان افراد همپایه و همسان بی‌دلیل فرد یا افرادی را برتر به شمار آوریم؛ ولی تفاوت عبارت است از برتری شایستگیان. درسیره تربیتی امام کاظم(ع) تبعیض ممنوع و تفاوت مجاز شمرده شده است. تبعیض میان فرزندان بذر کینه و اختلاف و بدبینی به والدین را در دل کودکان می‌پراکند. امام کاظم(ع) از پدرانش چنین نقل می‌کند: مردی یکی از دو فرزندش بوسید و دیگری را رها کرد. رسول خدا(ص) [با ناراحتی] فرمود: چرا بین آن‌ها به مساوات رفتار نمی‌کنی؟ (8)

تفاوت اگر بجا و منطقی باشد، موجب پیشرفت فرزندان می‌شود؛ زیرا حس رقابت سالم را در آنها تقویت می‌کند. امام کاظم(ع) در مواردی میان فرزندان تفاوت قایل می‌شد. رفاعه از حضرت موسی بن جعفر(ع) پرسید: ای فرزند رسول الله، مردی چند پسر دارد؛ آیا برتر شمردن یکی بر دیگران، درست است؟

امام(ع) پاسخ داد: نعم، لا باءس؛ قد کان ابی(ع) یفضلنی علی عبدالله؛ بلی، مانعی ندارد؛ زیرا پدرم [حضرت صادق(ع)] مرا بر عبدالله، برادر بزرگترم ترجیح می‌داد. (9)

حضرت رضا(ع) نیز فرمود: پدر بزرگوارم اسماعیل را، با آنکه از عباس کوچکتر بود، در تولیت صدقه اموال بر عباس مقدم داشت. (10) شیخ مفید می‌نویسد: «؛ احمد بن موسی شخصی بخشنده، بزرگوار و با ورع بود، امام کاظم(ع) او را دوست می‌داشت، بر دیگران مقدم می‌شمرد و مزرعه خود را به او بخشید.o؛ (raquo; 11)

تفاوت نهادن میان فرزندان امری بسیار ظریف و حساس است و نیاز به کمال دقت و ظرافت دارد؛ زیرا ممکن است فرزندان آن را تبعیض پندارند. پس والدین باید:

1 هنگام تفاوت نهادن میان فرزندان، به گونه‌ای رفتار کنند که کسی آن را تبعیض به شمار نیاورد؛

2 دقت کنند که سبب برتری فرزندی که برتر می‌شمارند، کاملاً آشکار باشد؛

3 در صورت امکان، امتیاز فرزند برتر را، با عباراتی سازنده، بیان کنند.

امام هفتم(ع) در مواردی حضرت رضا(ع) را بر دیگران ترجیح می‌داد، او را الگوی دیگر فرزندان معرفی می‌کرد و وجه برتری‌اش را آشکار می‌ساخت.

اسحاق بن موسی(ع) می‌گوید: امام کاظم(ع) به فرزندان می‌فرمود:

برادرتان علی(ع) دانشمند آل محمد(ص) است، در باره دینتان از او بپرسید و آنچه بیان می‌کند، به خاطر بسپارید. همانا ابوجعفر(ع) به من فرمود:

دانشمند آل محمد در شمار فرزندان تو خواهد بود. کاش وی را درک می‌کردم.

بی‌تردید او همان امیرمومنان [علی] است. (12)

موقعیت اجتماعی فرزندان

فرزندان تا وقتی به بلوغ شرعی، عقلی و اجتماعی دست نیافته‌اند، به مراقبت والدین و هدایت آنها نیاز دارند.

فراهم ساختن زمینه مساعد برای دستیابی فرزندان به جایگاه اجتماعی مناسب، بخشی از وظایف والدین در برابر فرزندان است. آنها باید، برای رسیدن به این هدف، فرزندان را در انتخاب شغل مناسب یاری دهند. چه بسیار فرزندان که بر اثر بی‌توجهی والدین به مشاغل پست و منفی تن داده‌اند و به خاطر محروم بودن از راهنمایی‌های سودمند والدین از موقعیتهای ارزشمند و شایسته اجتماعی محروم شدند، سرانجامشان به رذالت و پستی گرایید و مایه ننگ و خواری والدین گردیدند. امام کاظم(ع) فرمود:

شخصی [با فرزندش] خدمت رسول خدا(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، حق این فرزند بر من کدام است؟

حضرت فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن، او را ادب بیاموز و در موقعیتی نیک قرار ده. [جایگاه اجتماعی مناسب برایش فراهم ساز] (13)

در حدیث دیگری می‌فرماید: شخصی همراه فرزندش خدمت پیامبر(ص) رسید و گفت: یا رسول الله، من به فرزندم نوشتن آموختم، او را به چه کاری گمارم؟

حضرت فرمود: او را به کاری که خشنودی خداوند در آن است بگمار و از پنج شغل بازدار: سیائی، صائغی، قصابی، حنای و نحاسی.

مرد پرسید: سیاء کیست؟

فرمود: کسی که کفن می‌فروشد و برای امتم آرزوی مرگ می‌کند. همانا نوزاد امت من، نزد من از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، محبوب‌تر است. صائغ کسی است که در پی زیان (14) امت من است؛ قصاب ذبح می‌کند تا آنکه رحمت از قلبش می‌رود؛ حناتکسی است که غذا را احتکار می‌کند، همانا اگر خداوند محترک را در حال دزدی مشاهده کند، بهتر است از اینکه او را چهل روز در حال احتکار ببیند؛ اما نحاس [برده‌فروش] جبرئیل نزد آمد و فرمود: ای محمد، بدترین امت کسانی‌اند که مردم را می‌فروشند.

والدین و موعظه فرزندان

هرچند روش غیر مستقیم و زبان عمل از زبان گفتار نافذتر است و معصومان (علیهم السلام) بیش از آنچه می‌گفتند با کردار خود، مردم را ارشاد می‌کردند؛ ولی پند مستقیم نیز در سیره آنها بسیار مشاهده می‌شود.

امام کاظم (ع) بعضی از فرزندان را چنین اندرز می‌دهد: فرزندم! بپرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی که از آن نهی‌ات کرده، ببیند؛ بپرهیز از اینکه پروردگار تو را از اطاعتی که بدان فرمانت داده، دور مشاهده کند. بر تو باد به تلاش و کوشش. هرگز خود را از کوتاهی در عبادت خداوند تهی مشمار؛ زیرا خداوند چنان که شایسته است عبادت نمی‌شود؛ و از مزاح بپرهیز که نور ایمانت رامی‌برد و تو را سبک می‌سازد؛ و از اندوه و کسالت دور باش، که از بهره دنیا و آخرت جلوگیری می‌کنند. (raquo; 15&)

مسافرت خانوادگی

مسافرت‌های خانوادگی می‌تواند اثر تربیتی داشته باشد؛ زیرا: 1. باعث نشاط و شادابی اعضای خانواده می‌شود؛

2. سبب استمرار نظارت پدر، که در حیات تربیتی فرزندان ضروری است، می‌گردد؛ این امر، بویژه امروزه که پدران به سبب مشاغل زیاد در خانه کمتر حضور دارند، بسیار مهم است.

3. زمینه بروز استعدادها و شناخت نقاط ضعف و قوت کودکان را فراهم می‌آورد؛

4. میدان مناسبی برای تجلی اخلاق اجتماعی و تمرین صفات پسندیده‌ای چون همکاری، تعاون، نعدوستی، ایثار و گذشت به شمار می‌آید؛

5. چنانچه سفر، زیارتی باشد سبب تحکیم اعتقادات و توجه به معنویات می‌شود.

علی بن جعفر، برادر امام کاظم (ع) می‌گوید: چهار مرتبه در رکاب حضرت کاظم (ع) بودم و حضرت همراه خانواده‌اش سمت حج راه می‌سپرد. این سفرها گاه 26 روز، زمانی 24 روز و گاه 21 روز به درازا می‌کشید. (16)

تربیت از تولد تا مرگ

امام (ع) هنگام تولد فرزندش رضا (ع) کلمات زیبایی اذان و اقامه را در گوشش زمزمه فرمود و روان نرسیده خود را با آوای توحید صفا بخشید. نجمه مادر حضرت رضا (ع) می‌گوید: هنگامی که وضع حمل کردم پسر [علی بن موسی] دستهایش را بر زمین قرار داده، سر را سمت آسمان بلند کرد و لبهایش را حرکت داد، گویا سخن می‌گفت. پدرش موسی بن جعفر (ع) بر من وارد شد و فرمود: ای نجمه، کرامت پروردگارت گوارایت‌باد. آنگاه نوزاد را، که در لباس سفید پیچیده بودم، به حضرت دادم.

امام (ع) در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت؛ آب فرات خواست، کامش را با آب فرات آشنا ساخت؛ سپس او را به من داد و فرمود: بگیرش که بقیه الله در روی زمین است. (17) حضرت حتی در لحظات پایانی عمرش نیز به تربیت فرزندانش می‌اندیشید.

آن بزرگوار در وصیت‌نامه‌اش نکات تربیتی مهمی به یادگار نهاده، می‌فرماید: ... در باره صدقات و اموال و فرزندان وصیت می‌کنم ابراهیم و عباس و اسماعیل و ام احمد و علی را، بویژه در امر زنان؛ و پسر علی (ع) در امر آنها مختار است نه پسران دیگر. همچنین در صدقه و ثلث پدرم و در باره اهل بیتم ا اختیار دارد ... من دارای اموالی هستم که صدقه قرار داده‌ام؛ فرزندم علی بدان آگاه و راست‌گفتار است و باید بدین وصیت عمل کند. و اگر از برخی از فرزندانم به عنوان وصی نام بردم، برای احترامشان بوده تا در اجرای وصیت شرکت کنند.

فرزندان و همسرانم هر يك در همان خانه‌ای که هستند، اقامت و با مقداری ثابت از صدقات معین زندگی کنند ...

هیچ يك از فرزندانم حق شوهردادن دخترانم را ندارند، مگر به فرمان رضا (ع).

اگر رضا ناخشنود بود و کسی بدین کار اقدام کرد، با خداوند و رسول و ولی‌اش مخالفت کرده، در مقام جنگ با حق برآمده است. اگر فرزندم رضا صلاح دانست، آنها را شوهر می‌دهد و اگر نخواست نگه می‌دارد. (18)

پی‌نوشت‌ها:

1 الکافی، ج 6، ص 50.

2 مستدرک الوسائل، ج 3، ص 558.

3 همان.

4 حياه الامام موسی بن جعفر (ع)، ج 2، ص 430.

5 صبی عارم: بین العرام بالضم ای شرس (مجمع البحرین، ج 6، ص 113) و الشرس هو السیء الخلق، بین الشرس (همان، ج 4، ص

- 78); عرم عرامه: اشد و خرج عن الحد (المنجد) در برخی کتب عرامه را تحمل سختی و مشقت كودك معنا کرده‌اند که به نظر می‌رسد صحیح نباشد.
- 6 الكافی، ج6، ص 51.
- 7 مسند امام كاظم(ع)، ج 1، ص 481.
- 8 همان، ج3، ص 7.
- 9 عیون اخبار الرضا(ع)، ص 27.
- 10 الارشاد، ج 2، ص 244.
- 11 كشف الغمه، ج3، ص 107.
- 12 الكافی، ج6، ص 48.
- 13 در نسخه تهذیب و استبصار «دين; امتی ذکر شده. (تهذیب، ج6، ص 362 و استبصار، ج3، ص96)
- 14 مسند امام كاظم(ع)، ج 2، ص 391.
- 15 تحف العقول، ص 306.
- 16 بحار، ج 48، ص 100.
- 17 عیون اخبار الرضا، ص 1716.
- 18 بحار، ج 48، ص 276 280.

علی همت‌بناری
منبع: مكتب الثقليين